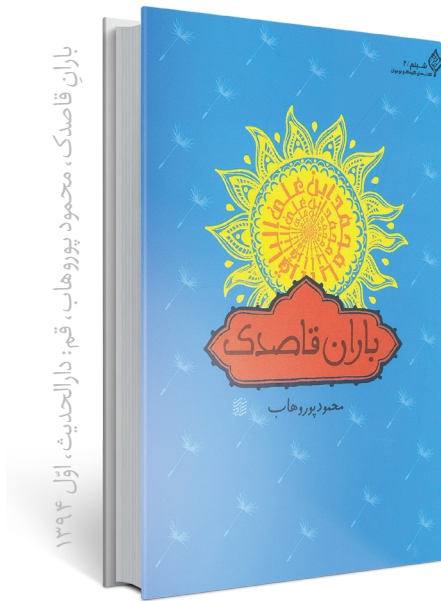




باران صبح روشن

(نگاهی گذرا به سه مجموعه شعر نوجوان)

علی باباجانی



«باران قاصدک» در واقع، منظومه‌ای زیبا و دلنشین از زندگی مولای پنجم شیعیان، امام محمد باقر علیه السلام است. این مجموعه در برگرفته‌ی نه شعر است که در عین استقلال، به هم پیوسته هستند. شاعر برای هر شعر، نامی را انتخاب کرده که ساده و برائت استهلالی از هر شعر است. یعنی با نظر به عنوان هر شعر می‌توان به محتوای آن پی برد. در واقع، فهرست کتاب، عصاره و چکیده‌ی زندگی امام پنجم علیه السلام است. عناوین فهرست از این قرار است: تولّد، کودکی، به سوی کربلا، کربلا، روز عاشورا، اسارت، بازگشت به مدینه، کنار پدر، امامت.

باید، پردازد و از سوی دیگر، باید از عناصر شعری هم بهره‌مند باشد. مجموعه‌هایی از این دست، فراوان سروده شده‌اند؛ اما بسیاری

تدوین و سرودن شعرهایی در این عرصه با مشکلات و حساسیت‌های فراوانی روبه‌روست؛ چون از طرفی شاعر باید به وقایع آن‌طور که

از آنها به ضعف‌هایی دچار بوده‌اند، مثلاً شاعر فقط به طور مستقیم به روایت پرداخته، یا

اگر خواسته شاعرانه پیش برود، در مواردی، شعرها از نظر محتوا دچار دست‌اندازی شده است. به نظر من در این مجموعه، شاعر با توجه به این دو مهم توانسته به خوبی از عهده کار برآید.

قالب شعرها نیمایی است. با این حال، شاعر در بیشتر موارد، از موسیقی بیرونی و درونی استفاده خوبی کرده است. می‌توان از دل این اشعار، قالب‌هایی را هم استخراج کرد از جمله:

۱. سه پاره

تا چشم باز کرد
شهر مدینه انگار
باران قاصدک شد



عکس تو مثل خورشید
در آسمان دل‌ها
پیوند خورد و حک شد (ص ۶).

۲. چارپاره

صحرای خشک سالی
در سینه‌ها نهان بود
در دام دشمنان، رود
لب تشنه، کاروان بود



دشت از غبار تیره

احساس پونه‌ها زرد

رحمی به کاروان

لب تشنه کس نمی‌کرد (ص ۹).

۳. تک‌بندی

بابابزرگ و بابا

پشت و پناه بودند

در آسمان ذهن

خورشید و ماه بودند (ص ۷).

۴. سه‌گانی

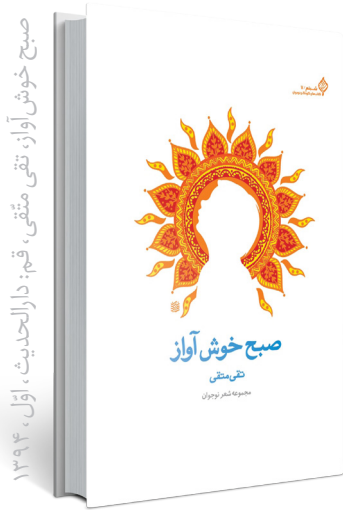
ای عطر بیکرانه

زیباست حرف‌هایت

زیبا و عاشقانه (ص ۱۵).



در کنار قالب نیمایی، به زبان روان و شیوای شعرها می‌توان اشاره کرد؛ علاوه بر آن تعبیر زیبایی که به غنا و شاعرانگی اثر کمک فراوانی کرده است؛ تصاویر شاعرانه‌ای که در کنار تلخی‌های ماجرای کربلا توانسته اثر را لطیف و هنرمندانه کند. فهرستوار به چند عبارت، تصویر و ترکیب شاعرانه اشاره می‌کنم؛ در آبی صدایش (ص ۶)؛ مثل نهال کوچک، در سایه درختان، آرام آرمیدی (ص ۷)؛ پروانه نگاهت (ص ۸)؛ احساس پونه‌ها زرد (ص ۹) و ...



عنوان کتاب حاضر، شاعرانه و دلنشین است. صبح خوش آواز، تداعی کننده مجموعه شعر «تنفس صبح» قیصر امین پور است. ویژگی مشترک هر دو اسم، خیال انگیزانه و شخصیت انگارانه صبح است. گویی یک دریچه به سوی دل انگیزی باز شده و شاعر، وجود خود را به مخاطب هدیه می‌کند.

مجموعه شعر «صبح خوش آواز» در شصت و یک صفحه و با چهل و یک شعر، پیش روی مخاطب نوجوان است. این مجموعه، شامل دو بخش با نام: «عطر نسترن‌ها و سکوت یک قناری» است. به نظر می‌رسد این کتاب، اگر در دو مجموعه مستقل به چاپ می‌رسید، بهتر بود.

بخش اول کتاب به شعرهای آزاد

با این حال، مواردی وجود دارد که با دقت شاعر می‌توانست به نتیجه مطلوب‌تری برسد. مثل:

ناتمام شدن یک جمله یا عبارت در یک بند
رحمی به کاروان / لب تشنه کس نمی‌کرد
(ص ۹).

علاوه بر این، پس و پیش شدن فعل و
فاعل، گاه خوانش شعر را دچار مشکل می‌کند،
مانند:

در دام دشمنان، رود / لب تشنه، کاروان بود
(ص ۹).

آرامش جهان بود / جیرجیرک صدایش (ص
۱۳).



خدایا به شعرم توانی بده / که تأثیرش از
مرزها بگذرد / ز درها و دیوارهای جهان /
همانند موج صدا بگذرد (ص ۳۲).

قالب‌های شعری استفاده شده در این شعر،
عمدتاً چارپاره است و تعدادی هم نیمایی
است. موضوعات نیمه‌اؤل کتاب، بیشتر
حول محور زندگی و توصیف طبیعت، دوستی
و دغدغه‌های نوجوانی است. از عناوین
شعرها می‌توان دریافت که شاعر به طبیعت،
توجه بیشتری نشان می‌دهد؛ عناوینی مثل:

- [موضوعات](#)
 - [نیمه‌اؤل کتاب](#)
 - [بیشتر حول محور](#)
 - [زندگی و توصیف](#)
 - [طبیعت، دوستی](#)
 - [و دغدغه‌های](#)
 - [نوجوانی است](#)
 - [از عناوین شعرها](#)
 - [می‌توان دریافت که](#)
 - [شاعر به طبیعت](#)
 - [توجه بیشتری](#)
 - [نشان می‌دهد](#)
- گل و پرنده و برگ، عطریاس،
چشمه چشمه خورشید، گل
آفتاب، خران بهاری، ماه و
سرو.
گره زندگی چه هست آیا /
این که آدم شدن محال شده /
بر سراین گره هزاران سال /
جار و جنجال و قیل و قال شده
(ص ۲۸).
من دوست دارم، مهربانی /
از هر دل و دستی بروید / حتی
کلاغی با کلاغی / از دشمنی،
چیزی نگوید (ص ۲۲).

در کنار این، به موضوعات جالب و
امروزی‌تری پرداخته است؛ از جمله:
اسکناس، همراه اؤل و ...



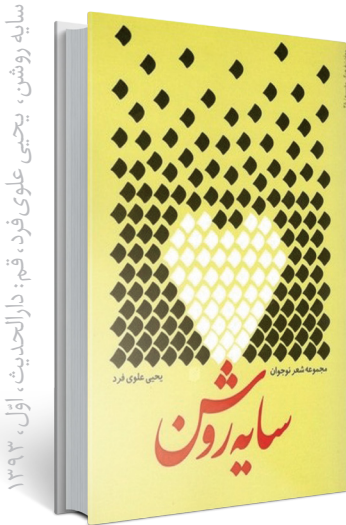
اختصاص دارد و بخش دوم، شعرهای آیینی
را در برمی‌گیرد. یکی از خصلت‌های شعرهای
متقی، نگاه مهربانانه و انسانی به دنیای
پیرامون خود است که در شعرهای خود،
مخاطب را به این گونه نگاه تشویق می‌کند:
با تبسم، با محبت، با سلام / زندگی پل
می‌زند بین دو دل / زندگی با ماست، ما با
زندگی / ما او هستیم از یک آب و گل (ص
۱۲).

گشودم در به روی فصل سبزی / که گل
می‌خندد از پیراهن او / و می‌بارد پرستو
از نگاهش / و بوی عشق دارد دامن من
(ص ۱۴).

در جای دیگر، از خدا می‌خواهد که بتواند با
زبان شعر تأثیرگذار باشد و دنیای شیرین خود
را به مخاطب معرفی کند:



با این حال، مجموعه حاضر، قابل تقدیر و ستایش است؛ چرا که به مواردی در شعرها اشاره شده که کمتر شاعری به آن توجه کرده است. تصاویر و تعابیر شاعرانه و نگاه زیبای شاعر به اطراف، می‌تواند مخاطب را در جهت زیبایی ساقی سوق دهد.



سایه روشن، یحیی علوی فرد، قم: دارالحدیث، اول، ۱۳۹۳

«سایه روشن»، بیست و چهار صفحه دارد که هجده شعر را در بر گرفته است. از ویژگی این مجموعه، وحدت موضوع داشتن آن است. به این معنا که همه شعرها، حرف‌های پدران و نصیحت‌گونه است. هر چند نوجوانان و حتی کودکان از نصیحت فراری‌اند، در این مجموعه، شاعر همه حرف‌ها را در این فضا می‌زند که گاهی به دل می‌نشیند:

گرچه خط ارتباطی هست / گرچه بر خط، زندگی جاری است / آدم اما همچنان تنه‌است / هیچ کس همراه اول نیست (ص ۲۷).



بخش دوم کتاب، به شعرهای آیینی اختصاص داده شده است که می‌توان در آن شعرهایی را درباره خدا، پیامبر و امامان بزرگوار، نماز و روزه یافت.

امروز تمام اهل خانه / رفتند به پیشواز روزه / پرزد دل من دوباره امروز / تا پنجره‌های باز روزه (ص ۴۰).

خاک دروغای رنگ / غرق آواز خدا / باز هستی پر شده / از گل و نور و صدا (ص ۴۴).
تو مادر شقایق / تو دختر بهاری / شبیه عطر یاسی / نسیم بی‌قراری (ص ۴۸).
هفتمین قبله خدا بر خاک / هشتمین آفتاب ایمانی (ص ۵۴).

با تمام زیبایی‌های مجموعه شعر، گاهی به نظر می‌رسد که نگاه شاعر، جوانانه و بزرگ‌سالانه است. علاوه بر این، برخی از واژه‌های به کار رفته، قدیمی‌اند و مورد استفاده نوجوان نیست:

آن طرف ز هوش رفته‌اند گوییا (ص ۴۷).
توی آسمان‌ها / مهر، ماه، انجم (ص ۵۳).
سطری از راز بشکوه او را (ص ۵۵).

هر چند گوش تو پیراست از پندهایم /
اما بدان این حرف‌ها دست خودم نیست
(ص ۱۱).

همان طور که اشاره شد این مجموعه به
رفتار و دغدغه‌های نوجوانان می‌پردازد و با
نگاه روان‌شناسانه سعی دارد به خصلت و
خصوصیات نوجوان اشاره کند.
آینده را باید بسازی / آینده مال توست
جانم (ص ۱۶).

هرراه تازه سخت است / اما تو می‌توانی
(ص ۱۷).

همیشه از چپ و راست / هی متلک
می‌گفتی (ص ۲۲).

شاعر در این مجموعه، گاهی از قافیه‌های
دلچسبی استفاده می‌کند که به دل می‌نشیند،
مثل: قاتی / لاتی؛ مشتتی / گشتتی؛ خالی /
حالی.

زبان شاعر، شیرین و دلچسب است. چند
شعر این مجموعه به طرف طنز سوق پیدا
کرده که کار را از یک دستی انداخته است، مثل
شعرهای: تیپ مشتتی، مثل تو نبودم و آیینهُ
اطرافیان.

آیا شدی خیلی خفن / افتاده باشی در
هچل (ص ۷).

رد پای نوجوانی در این شعر، بسیار مشهود
است و شاعر نوجوان را خوب شناخته و معرفی

کرده است. با این حال، به بعضی مسائل
بیشتر اشاره شده، مثل تیپ و مدل زدن.
با ما نمی‌جوشی این جا / انگار ما را گرفتی /
از یاد تو رفته انگار / با دست ما پا گرفتی
(ص ۱۹).

این بند را زیاد مناسب نمی‌دانم؛ چرا که
به نوجوان منت می‌گذارد و نوجوان، از این
حرف‌ها فراری است.

نگاه نوجوانانه، و زبان نرم و لطیف و
امروزی شاعر توانسته از این کتاب، یک
مجموعه مناسب نوجوان بسازد. فضای
شعرها شاد و دل‌انگیز است و شاید این زبان
شیرین و فضای شاد، تلخی پند و اندرز را
بگیرد. ای کاش می‌شد اسم بهتری برای این
مجموعه انتخاب کرد؛ چرا که «سایه روشن»
اسمی است که در همه اصناف و اقشار جامعه،
از آن استفاده می‌شود. این اسم، کتاب را برای
نوجوان، گنگ و مبهم می‌کند، هر چند در
کنار آن، عبارت «مجموعه شعر نوجوان» آمده
است، ولی اگر اسم نوجوانانه‌تری انتخاب
می‌شد، بهتر بود.